

ادیان و مذاهب



مبانی آموزه بازگشت مسیح در کتاب مقدس

جهاد قاسمی قمی*

چکیده

حیات مسیحیت به عنوان یکی از ادیان زنده جهان، در گرو اعتقاد به آموزه بازگشت مسیح، در همه ابعاد آن است. از محورهای اساسی این آموزه، رجعت یا بازگشت شکوه‌مند مسیح در آخر الزمان است که اتفاقاً از باورهای غالب جامعه مسیحی به شمار می‌رود. وقتی جزای ایمان به مسیح، زیستن در او و زنده شدن با او و حیات ابدی در ملکوت آسمان‌ها در کنار او باشد، بی‌شک یک مسیحی مؤمن همواره در انتظار بازگشت شکوه‌مند او خواهد بود تا با مسیح در ملکوت الهی بزید. عهد جدید به عنوان مانیفست باورهای مسیحی، نمودار روشنی از این رجعت برای مسیحیان ارائه می‌کند. این آموزه در بخش‌های قدیمی‌تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس شده است. در این مقاله، بر آنیم تا با کنکاشی درباره این موضوع، شمه‌ای از آیات مربوط را بررسی و از این رهگذر به ارزش الهیاتی آن پی ببریم. باید توجه داشت که رستاخیز مردگان، داوری نهایی و نیز پایان دوران از موضوع‌های مرتبطی است که معمولاً به دلیل پیوند محکمی که با بازگشت مسیح دارند، در یک ردیف مورد پژوهش قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی

بازگشت مسیح: The second coming of the lord
 فرجام‌شناسی: Eschatology
 نجات‌شناسی: Soteriology
 ظهور و تجلی عیسی: Epiphany
 وعده رهایی (نجات): The promise of Redemption
 منجی: Redeemer
 رستاخیز: Resurrection
 داوری عمومی: General Judgment
 پیروان انجیل: Evangelicals
 تجدید حیات مسیحیت: Renascens christianis
 دوره آخرالزمان: Eschaton
 کتاب مکاشفه: Apocalypse
 پایان جهان (دوران): The End
 هزاره‌گرایی: Millennialism یا Millenarianism
 مکاشفه: Revelation
 دجال، ضد مسیح: Antichrist

مقدمه

اندیشه بازگشت مسیح از باورهای غالب جامعه مسیحیت است و از آن جا که به اموری مثل رستاخیز و داوری ارتباط دارد، از مؤلفه‌های مهم و اساسی ایمان و الهیات مسیحی است؛ چه این که جزای ایمان به مسیح، زیستن و زنده شدن با او و حیات ابدی در ملکوت آسمان‌ها در کنار اوست. این شوق و انتظار، در بخش‌های قدیمی‌تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس گشته است. اما در رساله‌های بعدی مانند رساله‌های پولس به تیموتائوس و تیتوس، هم‌چنین رساله‌های پطرس به بُعد اجتماعی مسیحیت توجه شده است. این مسئله از آن جا ناشی می‌شد که مسیحیان در کلیسای اولیه با گذشت زمان پی بردند که بازگشت مسیح برخلاف تصور آنان نزدیک نیست. هرچند اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزارساله خود را تشکیل خواهد داد؛ حاکمیتی که به روز داوری پایان خواهد یافت. از همین رو، از دیرباز گروه‌های کوچکی به نام هزاره‌گرا در مسیحیت پدید آمده‌اند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی در آخرالزمان می‌کنند. البته وجود آیاتی در عهد جدید این حالت انتظار را تشدید می‌کند و با اشاره به عدم تعیین وقت ظهور، آن را ناگهانی معرفی می‌کنند. برای مثال، در انجیل متی از زبان عیسی این گونه نقل شده است:

شما نمی‌توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در ید قدرت خداست. هیچ بشری از آن لحظه (زمان ظهور) آگاهی ندارد حتی فرشتگان؛ تنها خدا آگاه است.

یا آن که در انجیل لوقا به نقل از مسیح چنین آمده است:

همیشه آماده باشید؛ زیرا که من زمانی می‌آیم که شما گمان نمی‌برید.

تأکید بر روشن نگه داشتن چراغ انتظار در لابه‌لای عهد جدید هم به چشم می‌خورد: کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته بدارید، باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هروقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ در را برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامانی که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که شما گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.

مسیحیت ضمن تأکید بر غیرمنتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای وعده ملکوت آسمان‌ها ارزیابی می‌کند. علاوه بر این، ظهور مسیح یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی برشمرده می‌شود و عیسی منجی انسان‌ها و پادشاه پادشاهان معرفی می‌گردد. وی براساس سخنان دانیال نبی، نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و مذهبی جهان را عوض و جهانی برمبنای راه و روش خدا بنا خواهد کرد.

مسیحیت ضمن تأکید بر غیرمنتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای وعده ملکوت آسمان‌ها ارزیابی می‌کند. علاوه بر این، ظهور مسیح یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی برشمرده می‌شود و عیسی منجی انسان‌ها و پادشاه پادشاهان معرفی می‌گردد.

مقدس دامن زده است و روزانه میلیون‌ها مسیحی دین‌دار این دعا را زمزمه می‌کنند که: «آمین، بیا ای خداوند عیسی!»^۱

عهد جدید و بازگشت مسیح

کتاب مقدس، به موضوع نجات و بازگشت دوباره مسیح اهمیت فراوانی می‌دهد. بازگشت مسیح، در عهد جدید بیش از سیصدبار آمده است و چندین باب کامل، به این موضوع اختصاص دارد.^۲ برخی از رساله‌های عهد جدید نیز به این موضوع مربوط است.^۳ بنابراین، می‌توان گفت این آموزه از مهم‌ترین آموزه‌های مسیحیت به شمار می‌رود.

هنری تیسن در کتاب الهیات مسیحی می‌نویسد:

درک صحیح رجعت مسیح، کلید کتاب مقدس می‌باشد. بدون درک صحیح رجعت مسیح نخواهیم توانست بسیاری از تعالیم و آیین‌های مقدس و وعده‌ها و نمونه‌های کتاب مقدس را درک نماییم. مثلاً این که مسیح هم پیامبر، هم کاهن و هم پادشاه است، بدون درک رجعت قابل فهم نیست.

در آیات زیادی، مسیحیان تشویق شده‌اند که برای بازگشت مسیح آماده باشند و از این حقیقت تسلی پیدا کنند و ضعیفان را برای این حقیقت تقویت نمایند، سختی‌ها را تحمل کنند و اعتماد خود را حفظ نمایند؛ زیرا خداوند به زودی مراجعت خواهد کرد و برای منتظران خود برکت و اجر و پاداش خواهد آورد.^۴

رجعت مسیح، امید بزرگ کلیساست و آمدن منجی و بازگشت مسیح، امید اصلی مسیحیان است و با انتظار منجی مسیحیت حیات می‌یابد، چنان که پطرس می‌گوید:

مبارک باد خدا و پدر خداوند ما، عیسی مسیح که به حسب رحمت عظیم خود، ما را به وساطت برخاستن عیسی مسیح از مردگان، از نو تولید کرد و برای امید زنده.^۵

یوحنا می‌گوید:

ای حبیبان! الآن فرزندان خدا هستیم و هنوز ظاهر نشده است، لیکن می‌دانیم که چون او ظاهر شود، مانند او

هم‌چنین مسیحیان علاماتی برای ظهور دوباره مسیح قائل هستند:

عن قریب بعد از آن آزمایش سخت، روزگاران خورشید تیره و تار می‌گردد و ماه نور خود را از دست خواهد داد و ستارگان افول خواهند کرد و قدرت‌های آسمانی نیز به لرزه درخواهند آمد و سپس آثار و علائم ظهور آن مرد آسمانی آشکار خواهد شد و سپس تمامی قبایل زمین نگران و غمگین می‌گردند و آن‌گاه عیسی از ابرهای آسمان با جلال و شکوه و قدرت فرو خواهد آمد.

در انجیل مرقس نیز ضمن تأکید بر همین مضامین، به جمع‌آوری یاران توسط مسیح اشاره شده است:

سپس عیسی با شکوه و جلال و قدرت خواهد آمد و فرشتگان تحت امر خود را به اطراف و اکناف عالم روانه خواهد کرد و منتخبان خود را از چهارگوشه جهان از بالاترین نقطه آسمان تا پایین‌ترین نقطه زمین جمع خواهد کرد.

امید بستن به جهانی نورانی که در آن، آدمی به همه خواست‌های خود برسد و از تمامی گناهان پاک و از همه دل‌بستگی‌های مادی رهایی یابد و نیز ایمان به نجات‌دهنده‌ای که برآورده‌کننده این آرزوها باشد، در کتاب مقدس آشکارا دیده می‌شود.

کلیسای اولیه نیز به تبیین رجعت و نجات‌بخشی مسیح علاقه فراوانی داشت. رسولان منتظر بودند که مسیح در عصر آنان ظهور کند و نسل‌های بعدی نیز همین امید باشکوه را حفظ کردند. این انتظار طاقت‌فرسا تا قرن سوم میلادی به شدت ادامه داشت، ولی از زمان امپراتوری کنستانتین و ایمان آوردن او به مسیحیت و کم شدن سختی‌ها و مصیبت‌های مسیحیان (قرن چهارم میلادی) بازگشت و ظهور مسیح کم‌کم به فراموشی سپرده شد. بررسی جامعه‌شناسانه و سیر تاریخی این بحث مجال دیگری می‌طلبد و ما در این مقاله فقط به تبیین اصل بازگشت مسیح از دیدگاه کتاب مقدس با تکیه بر عهد جدید و آرای متکلمان مسیحی و نیز حوادث قبل و بعد از ظهور مسیح می‌پردازیم.

کلیسا در قرن‌های اخیر با تأکید دوباره بر این حقیقت به رغم غفلت‌ها و مخالفت‌های موجود به علاقه به این آموزه کتاب

خواهیم بود؛ زیرا او را چنان که هست، خواهیم دید و هر کس این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد، چنان که او پاک است.^۶

باور به این آموزه، انگیزه‌ای قوی برای ثبات ایمان و اعتقاد و پاکی^۷ و تقوا و پایداری و ثبات قدم^۸ ایجاد می‌کند.

هنری تیسسن، اعتقاد به ظهور مجدد مسیح را سرچشمه بسیاری از باورها و اعمال می‌داند و می‌نویسد:

قبول این عقیده باعث می‌شود که ما خودمان را پاک کنیم^۹ و مواظب و پایدار باشیم.^{۱۰}

این عقیده، لغزش خوردگان را به بازگشت تشویق می‌کند^{۱۱} و باعث هشدار بی‌دینان می‌گردد^{۱۲} و در مشکلات و ناراحتی‌ها، باعث پایداری و استقامت می‌شود.^{۱۳}

روشن است که این اعتقاد، انگیزه مسیحیت واقعی بود؛ کسانی که شنیده بودند مسیح گفته است که بازمی‌گردد، ممکن نبود فریب دنیا را بخورند. آنها در انتظار بازگشت او بودند و با همین اعتقاد زندگی می‌کردند و تلاش می‌نمودند دیگران را هم به سوی او بیاورند و به بازگشت او معتقد سازند.^{۱۴}

کتاب مقدس با وعده و تشریح رجعت مسیح، محرکی بسیار قوی برای اعمال و خدمات مسیحی ایجاد می‌کند:

در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان می‌آید. پس آن غلام امین و دانا کیست که آفایش، او را بر اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد. خوشا به حال آن غلامی که چون آفایش آید، او را در چنین کار مشغول یابد.^{۱۵}

پولس رسول در آموزه‌های خود گوش‌زد می‌کند:

پس حق هر کس را به او ادا کنید؛ باج را به مستحق باج و جزیه را به مستحق جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت! مدیون احدی به چیزی نشوید، مگر به محبت نمودن؛ زیرا کسی که دیگری را محبت می‌نماید، شریعت را به جا آورده باشد؛ زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع موز و هر حکمی دیگر که هست، همه شامل است در این کلام که هم‌سایه خود را چون خود محبت نما! محبت به هم‌سایه خود بدی نمی‌کند، پس محبت تکمیل شریعت است و خصوصاً چون وقت را می‌دانید که الحال ساعت رسیده است که باید از خواب بیدار شویم؛ زیرا که الان نجات ما نزدیک تر است. از آن وقتی که ایمان آوردیم، شب مقتضی شد و روز نزدیک آمد. پس اعمال تاریکی را بیرون کرد، اسلحه نو را بپوشیم و با شایستگی رفتار کنیم؛ چنان‌چه در روزه، نه در بزم‌ها و سکرها و فسق و فجور و نزاع و حسد، بلکه عیسی مسیح خداوند را بپوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نینید.^{۱۶}

کتاب مقدس، به موضوع نجات و بازگشت دوباره مسیح اهمیت فراوانی می‌دهد. بازگشت مسیح، در عهد جدید بیش از سی صدبار آمده است و چندین باب کامل، به این موضوع اختصاص دارد. برخی از رساله‌های عهد جدید نیز به این موضوع مربوط است. بنابراین، می‌توان گفت این آموزه از مهم‌ترین آموزه‌های مسیحیت به شمار می‌رود

مراحل رجعت و ظهور مسیح

براساس آموزه‌های کتاب مقدس، رخ داده‌های آخرالزمان و بازگشت دوباره مسیح برای نجات بخشی، در چندین مرحله انجام می‌پذیرد که عبارتند از:

الف) بازگشت اولیه مسیح یا آمدن مسیح به آسمان

این مرحله شامل ربودن کلیسا (مؤمنان) و بردن آنان به آسمان است. در یک چشم بر هم زدن، به صورت ناگهانی و بدون آگاهی قبلی، عیسی مسیح، آنها را که آماده بازگشت او هستند، می‌رباید و به آسمان می‌برد. پولس رسول می‌گوید:

همانا به شما سرری می‌گویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد، در لحظه‌ای و طرفه‌العینی، به جهت نواختن صور اخیر؛ زیرا کرنا صدا خواهد داد و مردگان بی‌فساد بر خواهند خاست و ما مقبول خواهیم شد.^{۱۷}

اما وطن ما در آسمان است که از آنجا نجات‌دهنده، یعنی عیسی مسیح خداوند را انتظار می‌کشیم که شکل جسم ذلیل ما را تبدیل خواهد نمود تا به صورت جسم مجید او مصور شود.^{۱۸}

هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی مؤمنان و دادن پاداش به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها و اموال و فرصت‌هایی است که به آنها داده شده بود.^{۱۹}

هدف مهم دیگر، آماده کردن اوضاع و از میان بردن موانع ظهور است. موانع ظهور ممکن است دولت‌های بشری یا شیطان باشند که از آن با عنوان بی‌دین، دجال، ضد مسیح و قانون شکن یاد شده است.^{۲۰}

ب) دوران مصیبت عظیم

پس از مرحله اول ظهور مسیح و پیش از مرحله دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیش‌گویی شده است. در این دوره که بنابر برخی اشاره‌ها هفت سال طول خواهد کشید،^{۲۱} چنان زمان سخت و تنگی خواهد شد که از هنگام پیدایش ام‌ها تا بدین روز همانندی نداشته است.^{۲۲}

هنری تیسن با استفاده از آموزه‌های کتاب مقدس، این دوران

را چنین ترسیم می‌کند:

وقتی کلیسا روبرو شود، دیگر نمک و نور در جهان نخواهد بود. مدت کوتاهی پس از روبرو شدن کلیسا، تا زمانی که مردم به سوی خداوند بازگشت نکرده‌اند، بر روی زمین هیچ موجود نجات‌یافته‌ای وجود نخواهد داشت. روح القدس، خدمت بازدارنده خود را از جهان خواهد برداشت. در آن زمان، فساد و ظلمت به سرعت زیاد خواهد شد، گناه همه‌جا را فرا خواهد گرفت و مرد بی‌دین ظهور خواهد کرد. شیطان و فرشتگانش بر روی زمین قدرت زیادی خواهند داشت، ولی آمدن مسیح، مانعی را که در راه اشاعه بی‌دینی و برنامه‌های آخرالزمان وجود داشت، از میان خواهد برد.^{۲۳}

ج) بازگشت ثانویه مسیح و سلطنت هزارساله او بر زمین

بنابر آموزه‌های کتاب مقدس، هنگامی که سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح‌هایی از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نیی کاذب بیرون می‌آیند و بر پادشاهان ربع مسکون زمین خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» فراهم آورند.^{۲۴}

آنان جمع می‌شوند تا «اورشلیم» را تصرف کنند و یهودیان و فلسطین را به اسارت درآورند،^{۲۵} ولی وقتی به پیروزی نزدیک شده‌اند، مسیح با لشکریان خود از آسمان نزول خواهد کرد و در جنگ نهایی، پس از غلبه بر آنان، پیشوایانشان، گرفتار و به دریاچه آتش افکنده خواهند شد.^{۲۶}

سپاهیان آنان نیز با شمشیری که از دهان مسیح خارج می‌شود، کشته خواهند شد و راه برای استقرار حکومت مسیح هموار خواهد گردید.^{۲۷}

این دوره، هزارسال به طول می‌انجامد و مسیح فرمان‌روای جهانی پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت.^{۲۸} شیطان و روح‌های شریر بسته می‌شوند و به مدت هزار سال در «هاویه» افکنده خواهند شد.^{۲۹}

کارکردها و عملکردها

هدف عیسی مسیح از رجعت دوم به زمین چیست؟ ظهور او چه

نتایجی را در پی خواهد داشت؟ نویسندگان مسیحی با استناد به کتاب مقدس، اهدافی را برای ظهور عیسی برشمرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) ظاهر ساختن شکوه و جلال خود

یکی از اهداف عیسی مسیح از ظهورش، نشان دادن خود و عظمتش به جهانیان است. تمام طوایف زمین، پسر انسان را خواهند دید که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید.^{۳۰}

او بر دشمنانش نیز ظاهر خواهد شد:

اینک با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانی که او را نیزه زدند و تمامی امت‌های جهان، برای وی خواهند نالید.^{۳۱}

ب) استقرار حکومت جدید

مسیح به همراه لشکریان خود (گروه فرشتگان و انبوه نجات‌یافتگان) که هنگام ظهور همراه او هستند،^{۳۲} با دشمنانش (نبی کاذب و لشکریان او) درگیری خواهد داشت، ولی این جنگ، کوتاه و با پیروزی قطعی آن حضرت همراه خواهد بود.^{۳۳} «در پی آن درگیری، مخالفت سیاسی علیه مسیح و ملکوت او از بین خواهد رفت و راه برای استقرار نظام جدید هموار خواهد گردید.»^{۳۴}

ج) نجات بنی اسرائیل

هنگامی که مسیح رجعت کند، بنی اسرائیل را از دشمنانش رهایی خواهد بخشید: پس بگو خداوند یهود چنین می‌افزاید: شما را از میان امت‌ها جمع خواهم کرد و شما را از کشورهای بی‌گانه‌ای که در آنها پراکنده شده‌اید، فراهم خواهم آورد و زمین اسرائیل را به شما خواهم داد.^{۳۵}

هم‌چنین اسرائیل نجات خواهد یافت، چنان‌که مکتوب است، نجات‌دهنده‌ای از صهیون ظاهر خواهد شد و بی‌دینی را از یعقوب خواهد برداشت.^{۳۶} برخی از نویسندگان مسیحی معتقدند وعده نجات اسرائیل به این معنا نیست که تمام اسرائیل به تدریج وارد کلیسا خواهند گردید؛ زیرا نجات اسرائیل به طور مخصوص به دیدن مسیح در زمان رجعت مربوط است، چنان‌که آمده است:

در آن روز، خداوند، ساکنان اورشلیم را حمایت خواهد نمود و ضعیف‌ترین ایشان در آن روز، مثل داوود خواهد بود و خاندان داوود مانند خدا و مثل فرشته خداوند در حضور ایشان خواهند بود. در آن روز، قصد هلاک کردن جمیع امت‌هایی که برضد اورشلیم می‌آیند، خواهد نمود و بر خاندان داوود و ساکنان اورشلیم، روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زدند، خواهند نگرست و برای من، مثل نوحه‌گری برای پسر یگانة خود نوحه‌گری خواهند کرد.^{۳۷}

بنابر آموزه‌های کتاب مقدس، هنگامی که سال‌های مصیبت بی‌سابقه به پایان خود نزدیک شود، روح‌هایی از دهان اژدها و از دهان وحش و از دهان نبی کاذب بیرون می‌آیند و بر پادشاهان ربع مسکون زمین خروج می‌کنند تا ایشان را برای جنگ عظیم در «هرمجدون» فراهم آورند

و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر بازداشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت. در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نمیخواهند کرد؛ زیرا جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آبهایی که دریا را می‌پوشاند.^{۴۰}

بازگشت مسیح از دیدگاه پروتستان

پروتستان به منزله یکی از سه شاخه اصلی مسیحیت به موضوع فرجام و نهایت دنیا به مثابه یکی از اصول مهم الهیاتی خود می‌نگرد. در الهیات پروتستان یکی از فصول جالب توجه بخش فرجام‌شناسی است که اصلی‌ترین رکن آن آمدن دوباره مسیح و پیوند آن با ایمان مسیحی است. به عقیده پروتستان‌ها و بر اساس کتاب مقدس، پسر خدا برای بار دوم با شکوه خیره‌کننده‌ای خواهد آمد و جهان را سرشار از نیکی و خیر خواهد نمود. در این بخش این آموزه و ابعاد آن از دیدگاه پروتستان‌ها بررسی می‌شود.

حوادثی که قبل از آمدن مسیح، اتفاق می‌افتد، عبارتند از:

یکم. انتشار عمومی انجیل که در مزامیر ۷۲: ۸ و ۱۱ و ۶۷: ۷، اشعیا ۲: ۲-۴ و ۴۹: ۴، داوران ۲: ۴۴ و ۴۵، ارمیا ۳: ۱۷، حبقوق ۲: ۱۴، متی ۱۳: ۳۱-۳۲ و ۲۴: ۱۴ از کتاب مقدس صریحاً ذکر شده است. دوم. تمایل بازگشت یهودیان به مسیحیت.^{۴۱}

سوم. وقوع ارتداد بزرگ در کلیسای مسیحی و ظهور ضد مسیح (آنتی کراست) و نابودی‌اش.^{۴۲} پولس به آن دشمن بزرگ با القاب مختلفی مثل «انسان الخطیّه»، «پسر نابودی»، «دشمن مسیح [دجال]»، «وحشی برخاسته از زمین با دو شاخ همانند گوسفند»، «پیامبر دروغین»، «زن‌زاده» و «بابل» اشاره کرده است.^{۴۳}

چهارم. ورود کلیسا به عصر جدید و باشکوهی که از آن به هزاره یاد شده، از عبارات روشن کتاب مقدس است.^{۴۴}

پنجم. کتاب مقدس به سکونت کوتاه‌مدت شیطان در پایان هزاره و جنگ شدید کلیسا و سپس آمدن عیسی اشاره دارد.^{۴۵}

حوادثی که با آمدن مسیح اتفاق می‌افتد، عبارتند از:

یکم. قیامت (رستاخیز)؛

دوم. داوری نهایی؛

سوم. پایان دوران؛

چهارم. ظهور ملکوت مسیح در حد کمالش یعنی ورود کلیسا در شکوه آسمانی خویش.^{۴۶}

بنابراین، سخت‌دلی اسرائیل تا زمان «پری» امت‌ها (یعنی دوره فیض که برای نجات امت‌ها تعیین شده است) ادامه خواهد یافت. در آن روز، اسرائیل توبه کرده، به سوی خداوند بازگشت خواهد کرد.^{۴۸}

(د) داوری امت‌ها

مسیح، غیر از داوری درباره پادشاهان و رئیس‌ان و لشکریان، داوری دیگری در میان امت‌ها دارد و آن هنگامی است که جنگ در هارمجدون به پایان رسیده و حکومت مسیح استقرار کامل یافته باشد. در این داوری، مسیح بر تخت باشکوه خود می‌نشیند و میان مردمان و امت‌ها داوری می‌کند و از طرز رفتار آنها با برادران خداوند خواهد پرسید. در این داوری، برای گوسفندان (خوبان)، حیات ابدی و ملکوت و برای بزه‌ها (بدان)، مجازات ابدی در نظر خواهد گرفت.

(ه) برکت دادن به زمین با گسترش عدالت

برکت‌بخشی به زمین، ایجاد عدالت، صلح و آرامش، از اهداف مسیح از بازگشت و ظهور به شمار می‌رود؛ زیرا خشکی زمین و خار و خس آن، نتیجه گناه و بی‌عدالتی انسان است. با رجعت مسیح و برطرف شدن لعنت و گناه، همه موجودات حتی زمین و گیاهانش نجات می‌یابند و بیابان مثل گل سرخ خواهد شکفت و آب‌ها در بیابان و نهرها در صحرا خواهد جوشید و مکان‌های خشک به چشمه‌های آب مبدل خواهد گردید^{۴۹} و نهالی از تنه «یسی» بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود، داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خود تنبیه نخواهد نمود، بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریبران را به نفع لب‌های خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پروری با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد

برخی دلایل باشکوه بودن آمدن دوباره مسیح:

یکم. تشابه اخبار در آمدن اول و دوم که عبارات آنها شبیه هم است و چون اولی مشخص و منظور بود، آمدن دوباره اش هم چنان است؛
دوم. تصریح عبارات کتاب مقدس، مانند اعمال رسولان ۱: ۱۱، متی ۳۱: ۲۵ و ۳۰: ۲۴ و ۶۴: ۲۶، لوقا ۲۷: ۲۱، تسالونیکیان ۴: ۱۶؛ ۲ و ۷: ۱ و ۱۰، عبرانیان ۲۸: ۹ و مکاشفه ۱: ۷؛ سوم. با توجه به نتایج نسبت داده شده، این آمدن باید مرئی باشد: همه قبایل زمین را صدا خواهد زد،^{۴۷} مردگان کوچک و بزرگ را برمی خیزاند،^{۴۸} شریران به کوها و صخره ها می گویند: بر ما فرو ریزید و ما را مخفی نمایید،^{۴۹} قدسیان در ابرها برای ملاقات پروردگار در هوا روبرو می شوند.^{۵۰} و از روی آسمان و زمین گریخت.^{۵۱}
چهارم. مفاد کلام مسیح درباره آمدنش آن چنان که رسولان آن را فهمیده اند و معتقدند: او خواهد آمد، آمدنی با شکوه و آمدنش امری است که باید انتظار آن را کشید.^{۵۲}
وقت آن آمدن با شکوه را مخلوقی نمی داند و تا واقع شدنش دانسته نخواهد شد.^{۵۳}

پیش گویی بازگشت یهود

در عهد قدیم، پیش گویی های مشهوری درباره پراکندگی یهود و نپذیرفتنشان در عالم با وجود این که امت برگزیده هستند و پیش گویی های دیگری درباره بازگشت آنها و پذیرش دین حقیقی وجود دارد. در معنای پیش گویی های بازگشت این امت، اختلافاتی وجود داد:

بعضی می گویند: یهود حقیقتاً به سرزمین های قدیم خود یعنی سرزمین فلسطین بازمی گردند و هیکل (معبد) را تجدید بنا می کنند و عبادت های خاص خود را به صورت اصلی اش انجام می دهند، ولی برخی معتقدند که یهود به دیانت حقیقی برمی گردند، یعنی به کلیسای مسیحی می پیوندند و به دیانت عهد جدید تمسک می کنند و عیسی را می پذیرند و به مسیح بودن او که در عهد قدیم وعده داده شده است، ایمان می آورند. (این مذهب درباره آینده و مفاد پیش گویی ها قوم یهود صحیح است).
دلایل درستی این قول عبارتند از:

یکم. تفسیر روحانی این پیش گویی ها که اشاره به بازگشت یهود به کلیسای مسیحی دارد، مطابق مقصود و تعالیم کتاب مقدس در جاهای دیگر است؛
دوم. دیانت یهود، رمزآلود است و امور زیادی در تاریخ قوم یهود و خصوصیات آن هم رمزی است، ولی در نظام عهد جدید همه این رموز پایان یافت؛
سوم. رسولان خبری مبنی بر بازگشت یهود به فلسطین و تجدید دینشان نداده اند، بلکه صریحاً به بازگشت آنها به سوی خدا و قبول مسیح و پیوستنشان در کلیسا بعد از دخول همه امت ها خبر داده اند؛
چهارم. روح حاکم بر عهد جدید و تعالیم آن مبنی بر ابطال آداب یهودی برای همیشه و عدم پذیرش یهود این که بعد از آن قوم خاص خدا باشند؛

بعضی می گویند:
یهود حقیقتاً به سرزمین های قدیم خود یعنی سرزمین فلسطین بازمی گردند و هیکل (معبد) را تجدید بنا می کنند و عبادت های خاص خود را به صورت اصلی اش انجام می دهند، ولی برخی معتقدند که یهود به دیانت حقیقی برمی گردند، یعنی به کلیسای مسیحی می پیوندند و به دیانت عهد جدید تمسک می کنند و عیسی را می پذیرند و به مسیح بودن او که در عهد قدیم وعده داده شده است، ایمان می آورند

پنجم. تفسیر بعضی از پیش‌گویی‌های مشابه عهد جدید در الفاظ و شکل و صورت تماماً مؤید سخن در ما نحن فیه است، مانند اعمال ۱۵: ۱۴-۱۸، رومیان ۹: ۲۵-۳۳، ۱۱ و ۲۵-۲۷ و غلاطیان ۸:۳. ششم. تفسیر حرفی (حرف به حرف) مستلزم نتایج ناپذیرفتنی و بعیدالوقوع نزد هر مسیحی صاحب عقل سالم است.^{۵۴}

ارتباط آمدن دوباره مسیح و هزاره

در این‌که آیا هزاره قبل از آمدن مسیح است یا بعد از آن، باید گفت به اعتقاد پروتستان‌ها، پیش‌گویی‌های کتاب مقدس به صراحت بر امتداد دیانت مسیحی در همه عالم و غلبه آن بر همه دشمنان و موانع دلالت دارد تا آن‌جا که اجمالاً قلوب انسان‌ها را تسخیر می‌کند و این مدت باشکوه هزار سال نامیده شده است.^{۵۵} بعضی معتقدند که آمدن دوباره مسیح قبل از این مدت است، یعنی این هزاره با آمدن دوباره مسیح شروع می‌شود و مسیح پادشاه منظوری است که پایتختش در اورشلیم است. این عقیده مورد قبول همه مسیحیان نیست.

قول صحیح این است که آمدن مسیح بعد از هزار سال و سکونت شیطان در انتهای عالم است که همراه با رستاخیز مردگان و داوری نهایی است. سپس این زمین آتش می‌گیرد و زمین و آسمان جدید، به وجود می‌آید.

عبارت‌های ۲۴ و ۲۵ بشارت در انجیل متی هم که از زبان مسیح بوده و از پیش‌گویی‌های سَری و رمزآلود است، پیش‌گویی تخریب اورشلیم است. این حادثه به صورتی رمزی اشاره به آمدن دوباره مسیح و داوری عمومی و نهایی در پایان جهان دارد. بی‌تردید مسیح در این پیش‌گویی‌ها به اصل ویرانی اورشلیم اشاره کرده که به دست رومی‌ها اتفاق افتاد؛ چرا که در آن حادثه اشاره‌ای رمزآلود به ویرانی عالم هنگام آمدن پایان مسیح است.

در کتاب مکاشفه باب ۲۰ فرازهای ۴ - ۱۰ هم به غلبه عمومی انجیل در هزار سال و حبس شیطان در آن مدت باشکوه اشاره دارد و منظور از رستاخیز (قیامت) اول، برپایی دیانت مسیحی در عالم است.

داوری نهایی و پایان جهان

براساس کتاب مقدس، خداوند زمانی را مقرر کرده که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود.^{۵۶} روشن می‌شود که

انسان‌ها در این عالم، تحت تسلط اخلاقی خدا هستند و چاره‌ای جز حکم کردن بر هر شخصی به اندازه استحقاقش نیست. فدیهدگان به وسیله مسیح، خواه قبل از آمدن او یا بعدش، از حکم داوری به دلیل استحقاق نجات دهنده‌شان، نجات می‌یابند. خلاصه آرای کتاب مقدس درباره داوری نهایی:

یکم. واقعه‌ای عینی است که در وقتی معین اتفاق می‌افتد و این مطلب از محبوس بودن ملائکه و انسان‌های شریر تا روز داوری فهمیده می‌شود.^{۵۷} و آن امری است حتمی^{۵۸} و حادثه‌ای بعد از مرگ است^{۵۹} و بعد از قیامت.^{۶۰} داوری نهایی از جمله حوادث هم‌زمان با پایان عالم مانند قیامت (رستاخیز) و آمدن عیسی است و همه این حوادث حقیقتاً اتفاق خواهند افتاد؛^{۶۱}

دوم. در آن روز عدل الهی کاملاً ظاهر می‌شود و اسرار انسان‌ها آشکار می‌شود. هر کسی بنابر اعمالش در این دنیا داوری می‌شود و آن روز تجلی داوری عادلانه خداست؛^{۶۲}

سوم. این داوری هنگام آمدن دوباره مسیح و رستاخیز عامه خواهد بود، چنان‌چه از این فقرات روشن می‌شود: مثل کرکاس مزرعه^{۶۳} و پیش‌گویی‌های آمدن دوباره مسیح؛^{۶۴}

چهارم. داور مسیح است، آن‌چنان‌که گفت: پدر بر هیچ کس داوری نمی‌کند، بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است.^{۶۵} پطرس می‌گوید: مسیح همان معین شده از سوی خداوند به عنوان داور زندگان و مردگان است.^{۶۶} پولس می‌گوید: خدا روزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود و به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به این‌که او را از مردگان بخیزانند.^{۶۷}

پنجم. داوری بر همه مردم و ملائکه گناه‌کار جاری می‌شود؛ چرا که هر کسی به سبب اعمالش جزا داده می‌شود.^{۶۸} هم‌چنین درباره ملائکه گناه‌کار آمده است که خدا آنها را به زنجیرهای ظلمت سپرد تا برای داوری نگاه داشته شوند.^{۶۹} هنگام آمدن دوباره عیسی شیطان و ملائکه اشراک در هاویه انداخته می‌شوند.

ششم. قانون (معیار) داوری در آن روز شریعت الهی است، جز برای کسانی که از عطای مسیح سهمی دارند؛ کسانی که اسم‌هایشان در کتاب زندگی نوشته شده است و دلیل نجاتشان نه استحقاقشان است، بلکه به این دلیل که اصحاب نیکی مسیح محسوب شده‌اند و با مسیح به واسطه ایمان درآمیخته و یکی

شده‌اند یا به فواید مرگ به انعامش دست یافته‌اند.^{۷۰}

همه کسانی که مسیح را پذیرفته‌اند، قدرت می‌یابند که فرزندان خدا شوند و همه آنان که او را خداوند نجات دهنده می‌دانند، نجات می‌یابند و همه آنان که او را اکرام نکرده و بر او توکل ننموده‌اند، هلاک می‌شوند. به همین دلیل، همه آنان که انجیل و بشارت او را شنیده و نپذیرفته‌اند، نه فقط به دلیل مخالفتشان با شریعت الهی بلکه به سبب گناه عظیمشان در رد مسیح که موجب داوری بزرگ است، محاکمه می‌شوند، چنان که پولس می‌گوید: کسی که پروردگار، عیسی مسیح را دوست ندارد، پس باید عذاب شود؛

هفتم. داوری هر کسی به اندازه نور عطا شده به اوست: پس بنده‌ای که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده او عمل نماید، تازیانه بسیار خواهد خورد، اما آن که نادانسته کارهای شایسته خوب کند، تازیانه کم خواهد خورد و به هر کسی که زیاد عطا شود، از وی مطالبه زیادتر گردد.^{۷۱}

ناجی ما (مسیح) می‌گوید: به شما می‌گویم که در روز جزا حالت صور صیدون از شما سهل‌تر خواهد بود.^{۷۲}

پولس می‌گوید: امت‌ها عذری ندارند؛ زیرا هرچند خدا را شناختند، ولی او را چون خدا تمجید و شکر نکردند.^{۷۳} کسانی که بدون شریعت گناه کنند، بی‌شریعت نیز هلاک شوند و آنان که با شریعت گناه کنند، از شریعت برایشان حکم خواهد شد.^{۷۴}

هشتم. در داوری، جزای نیکوکاران و بدکاران به صورت حتمی تعیین می‌شود و به جایگاه ابدی‌شان محکوم می‌شوند و این مطلب از کلمات ترس‌ناک مسیح، روشن است: ایشان در عذابی جاودانی خواهند رفت، اما عادلان به حیات جاودانی.^{۷۵}

پایان دوران

آن‌چه در پی می‌آید، مشهورترین آیاتی است که بر پایان عالم دلالت می‌کند:

یکم. «از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمان‌ها عمل دست‌های توست. آنها فانی می‌شوند، لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامهٔ مندرس خواهند شد و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد.»^{۷۶}

دوم. «چشمان خود را به سوی آسمان برافرازید و پایین به سوی زمین نظر کنید؛ زیرا آسمان مثل دود از هم خواهد پاشید و زمین مثل جامهٔ مندرس خواهد گردید.»^{۷۷}
سوم. «زیرا اینک من آسمانی جدید و زمینی جدید خواهیم آفرید و چیزهای پیشین به یاد نخواهد آمد و به خاطر نخواهد گذشت.»^{۷۸}

چهارم. «آسمان و زمین زایل می‌شوند، ولی سخنان من زایل نخواهند شد.»^{۷۹}

پنجم. «زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می‌باشید؛ زیرا خلقت، مطیع بطالت شد، نه به ارادهٔ خود، بلکه به خاطر او که آن را مطیع گردانید، به امیدی که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود.»^{۸۰}

به اعتقاد پروتستان‌ها، پیش‌گویی‌های کتاب مقدس به صراحت بر امتداد دیانت مسیحی در همهٔ عالم و غلبهٔ آن بر همهٔ دشمنان و موانع دلالت دارد تا آن‌جا که اجمالاً قلوب انسان‌ها را تسخیر می‌کند و این مدت باشکوه هزار سال نامیده شده است

بشری ساکن زمین که قطره‌ای در دریای اعمال الهی است، قابل تصدیق نیست. آن چه در کتاب مقدس آمده است، اختصاص به انسان دارد که زمین به واسطه گناه انسان ملعون شده و این لعنت هنگام اتمام فدیة انسان زائل می‌شود. مخلوقی که به دلیل بطالت گناه انسان ذلیل شد، زمین بود و آن مخلوقی است که از قیود فساد آزاد خواهد شد و بنابر کلام پطرس جهانی که با آب (طوفان) نابود شد، خودش با آتش نابود می‌شود.^{۸۸}

نتیجه این تغییر ایجاد آسمان‌ها و زمین جدید است، هر چند این مطلب در کتاب مقدس واضح نیست، ولی نظر غالب این است که زمین جدید مسکن نیکوکاران می‌شود و اگر این زمین جدید مسکن پاکان و تخت پادشاهی مسیح شد، نتیجه گرفته نمی‌شود که قدیسان در همین حدود زمینی محصور شوند،^{۸۹} بلکه می‌توان گفت که پاکان قادرند به عوالم دیگر بروند و محصور در مکانی واحد نباشند.^{۹۰}

دلایل رستاخیز مسیح و رابطه بین رستاخیز او و رستاخیز امتش

الف) پیش‌گویی مسیح به رستاخیز خود:^{۹۱}

ب) گواهی رسولان مثل شهادت مسیح صریح است:^{۹۲}

ج) گواهی گروه‌هایی از معاصران مسیح و مردم قرون اولیه بعد از عصر رسولان.

به رابطه رستاخیز مسیح با رستاخیز امتش در رومیان ۱۱:۸ و ۲۳ اشاره شده است و... مواعید فدیة فقط برای روح نیست، بلکه جسم را هم در برمی‌گیرد و با توجه به این که مؤمن با مسیح در مرگش متحد است، هم‌چنان در رستاخیز هم با وی متحد است.^{۹۳} رسولان هم به رابطه بین رستاخیز مسیح و امتش تصریح دارند.^{۹۴}

ششم. «عالمی که آن وقت بود، در آب غرق شده، هلاک گشت، ولی آسمان و زمین به همان کلام برای آتش ذخیره شده و تا روز داوری و هلاکت مردم بی‌دین نگاه داشته شده‌اند، لکن روز خداوند چون دزد خواهد آمد که در آن آسمان‌ها به صدای عظیم زایل خواهد شد و عناصر سوخته شده از هم خواهند پاشید و زمین و کارهایی که در آن است، سوخته خواهد شد، ولی به حسب وعده او، منتظر آسمان‌های جدید و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود.»^{۸۸}

هفتم. «و دیدم کسی را بر تختی بزرگ و سفید نشسته، از روی وی آسمان و زمین گریخت و برای آنها جای یافت نشد. و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید چون که آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد.»^{۸۹}

کتاب مقدس به گونه دیگری هم به موضوع پایان دوران پرداخته است، مانند: «آسمان و زمین در پایان حقیقتاً منحل می‌شوند، آن‌چنان که از کلام پطرس چنین بر می‌آید: کسی که مواجه می‌شود، بین نابودی عالم با طوفان و ویرانی پایانی با آتش، نابودی با طوفان حقیقتاً اتفاق افتاد، پس ویرانی با آتش هم اتفاق خواهد افتاد حقیقتاً.»^{۸۳}

بنابر بسیاری از دلایل، زمین نخست شعله آتش بوده و برگشت آن به حالت قبل اگر خدا بخواهد آسان است. ویرانی در این آیات، تلاشی شدن نیست؛ چرا که سوختن جهان مستلزم تلاشی شدن عالم نیست، بلکه از وضعیت عالم بعد از آن ویرانی با لفظ تجدید تعبیر شده است^{۸۴} و برگشت همه اشیا^{۸۵} و آزادی از عبودیت فساد^{۸۶} و آسمان و زمین جدید.^{۸۷}

تغییری که در روز پایانی اتفاق می‌افتد، در همه کائنات مادی نیست، بلکه فقط در زمین و مربوط به عناصر جوّی است؛ به این دلیل که زوال همه این کائنات با عظمت هنگام داوری جنس

پی‌نوشت‌ها

*کارشناسی ارشد ادیان و عضو گروه ادیان پژوهشکده مهدویت.

۱. مکاشفه ۲۲: ۲۰.
۲. متی ۲۴ و ۲۵؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱.
۳. اول و دوم تسالونیکیان و مکاشفه.
۴. هنری تیسسین، *الهیات مسیحی*، ترجمه ط. طاووس میکائیلیان، ص ۳۲۷-۳۲۸، انتشارات حیات ابدی، تهران، بی‌تا.
۵. اول پطرس ۱: ۳.
۶. اول یوحنا ۳: ۳ و ۲.
۷. همان.
۸. متی ۲۴: ۴۴.
۹. متی ۲۵: اول یوحنا ۳: ۲ و ۳.
۱۰. مرقس ۱۳: ۳۵ و ۳۶؛ اول یوحنا ۲: ۲۸.
۱۱. رومیان ۱۱: ۱۱ و ۱۲.
۱۲. دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰.
۱۳. اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸؛ عبرانیان ۱۰: ۳۵-۳۸؛ یعقوب ۵: ۷.
۱۴. *الهیات مسیحی*، ص ۳۲۹.
۱۵. متی ۲۴: ۴۵-۴۶.
۱۶. رساله پولس رسول به رومیان، باب ۱۳: ۷-۱۴.
۱۷. اول قرنتیان ۱۵: ۵۱-۵۲.
۱۸. فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱.
۱۹. متی ۱۴: ۲۵-۳۰؛ لوقا ۱۹: ۱۱-۲۷؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۶-۸.
۲۰. علی فاطمیان، *نشانه‌های پایان*، فصل ششم، ص ۹۷، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،



- تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۲۱. دانیال ۹: ۲۳-۲۷.
۲۲. دانیال ۱۲: ۱.
۲۳. الهیات مسیحی، ص ۳۳۹.
۲۴. مکاشفه یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۷.
۲۵. زکریا ۱۲: ۱، ۱۳: ۱ و ۲: ۱۴.
۲۶. مکاشفه ۹: ۱-۱۰ و ۱۹: ۱۹؛ مزامیر ۲: ۳.
۲۷. دوم تسالونیکیان ۱: ۱-۱۲؛ مکاشفه یوحنا ۱۹: ۱۵.
۲۸. مزامیر ۷۲-۶-۱۱.
۲۹. مکاشفه ۲۰: ۳-۱.
۳۰. متی ۲۴: ۳۰.
۳۱. مکاشفه ۱: ۷.
۳۲. زکریا ۱۴: ۱۵؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۳.
۳۳. مکاشفه ۱۱: ۱۲-۲۰.
۳۴. الهیات مسیحی، ص ۳۴۱.
۳۵. حزقیال نبی ۱۱: ۱۷.
۳۶. رساله پولس رسول به رومیان ۱۱: ۲۶-۲۷.
۳۷. زکریای نبی ۱۲: ۸-۱۰.
۳۸. زکریای نبی ۱۲: ۱۰-۱۴؛ الهیات مسیحی، ص ۳۴۲.
۳۹. اشعیا نبی ۳۵: ۱-۱۰.
۴۰. اشعیا نبی ۱۱: ۱-۹.
۴۱. یوشع ۴: ۳ و ۵؛ زکریا ۱۲: ۱۰؛ متی ۲۳: ۳۹ و ...
۴۲. رساله دوم پولس به تسالونیکیان ۲: ۱-۱۰.
۴۳. رساله اول پولس به تیماتوس ۴: ۱۰-۳؛ اول یوحنا ۴: ۳؛ ۲: یوحنا ۷؛ مکاشفه ۱۳: ۱۱ و ۱۰: ۱۷ و ۵ و ۲: ۱۸ و ۲۰: ۱۹؛ برای آشنایی بیشتر با اشارات درست در الفاظ ضد مسیح و انسان الخطیة نک: کشیش انس الامیرکاتی، القواعد السنیة فی تفسیر الاسفار الهیة، بخش تفسیر اخبار رسولان، ص ۲۳۸-۲۵۷، [بی‌نا]، بیروت، ۱۹۷۴ میلادی.
۴۴. مکاشفه ۲۰: ۴-۶.
۴۵. مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰.
۴۶. نک: القواعد السنیة، ص ۳۱۶-۲۲۱.
۴۷. متی ۲۴: ۳۰.
۴۸. مکاشفه ۱۲: ۲۰.
۴۹. مکاشفه ۶: ۱۶.
۵۰. اول تسالونیکیان ۴: ۱۷.
۵۱. مکاشفه ۲۰: ۱۱.
۵۲. کولسیان ۳: ۴؛ فیلیپیان ۱: ۶ و ۲: ۱۶ و ۳: ۲۰؛ اول تسالوکیان ۱: ۱۰ و ۲: ۱۹ و ۳: ۱۳ و ۴: ۵ و ۵: ۴؛ دوم پطرس ۳: ۳-۱۰.
۵۳. متی ۳۶: ۲۴؛ اعمال رسولان ۷: ۱.
۵۴. نک: القواعد السنیة، ص ۳۲۲-۳۴۲.
۵۵. مکاشفه ۲۰: ۷.
۵۶. اعمال رسولان ۱۷: ۳۱.
۵۷. رساله دوم پطرس ۲: ۴ و ۹.
۵۸. اعمال رسولان ۲۴: ۲۵؛ عبرانیان ۱۰: ۲۷.
۵۹. عبرانیان ۹: ۲۷.
۶۰. یوحنا ۲۵: ۲۹.
۶۱. یوحنا ۵: ۲۸؛ دوم پطرس ۳: ۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۷ و ۸.
۶۲. لوقا ۱۲: ۸ و ۹ و ۲: رومیان ۵: ۲؛ کولسیان ۵: ۱۰.
۶۳. متی ۱۳: ۳۷-۴۳.
۶۴. متی ۲۵: ۳۱-۳۶؛ اول قرتیان ۴: ۵؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۷-۱۰ و ...
۶۵. متی ۲۵: ۲۲ و ۲۷.
۶۶. اعمال رسولان ۱: ۳۴-۴۳.
۶۷. اعمال رسولان ۱۷: ۳۱؛ دوم قرتیان ۵: ۱۰.
۶۸. رومیان ۲: ۶.
۶۹. دوم پطرس ۲: ۴.
۷۰. مکاشفه ۲۰: ۱۲.
۷۱. لوقا ۱۲: ۴۷ و ۴۸.
۷۲. متی ۱۱: ۲۲.
۷۳. رومیان ۱: ۲۰ و ۲۱.
۷۴. رومیان ۲: ۱۲.
۷۵. متی ۲۵: ۴۶.
۷۶. مزامیر ۱۰۲: ۲۵ و ۲۶.
۷۷. اشعیا ۵۱: ۶.
۷۸. اشعیا ۶۵: ۱۷.
۷۹. لوقا ۲۱: ۳۳.
۸۰. رومیان ۱۹: ۲۱.
۸۱. دوم پطرس ۳: ۳۰ و ۷ و ۱۰ و ۱۳.
۸۲. مکاشفه یوحنا ۲۰: ۱۱ و ۲۱: ۱.
۸۳. دوم پطرس ۳: ۶-۱۳.
۸۴. متی ۲۸: ۱۹.
۸۵. اعمال رسولان ۳: ۲۱.
۸۶. رومیان ۱: ۲۱.
۸۷. مکاشفه ۲۱: ۱.
۸۸. دوم پطرس ۳: ۶-۱۳.
۸۹. یوحنا ۱۴: ۲.
۹۰. افسسیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۲۰.
۹۱. یوحنا ۲: ۱۹-۲۱؛ لوقا ۹: ۳۱.
۹۲. لوقا ۲: ۲۹؛ یوحنا ۲۷: ۲۰؛ رومیان ۴: ۶ و ۵؛ افسسیان ۲: ۶؛ رومیان ۱۱: ۸.
۹۳. اول تسالوکیان ۴: ۱۴ و ...
۹۴. فیلیپیان ۳: ۲۱؛ اول تسالوکیان ۴: ۱۴؛ اول یوحنا ۳: ۲.